

## شیخ مرتضی انصاری



او در روز 18 ماه ذیحجه به سال 1214 هجری قمری، روز عید غدیر، در شهر قهرمان پرور دزفول از سلاله پاك یکی از اخلاف جابر بن عبدالله انصاری صحابی نامدار پیامبر اسلام (صل الله علیه وآله) پا به عرصه وجود نهاد و به مناسبت عید غدیر خم، نام مرتضی انصاری برای او انتخاب گردید...

ولادت : او در روز 18 ماه ذیحجه به سال 1214 هجری قمری، روز عید غدیر، در شهر قهرمان پرور دزفول از سلاله پاك یکی از اخلاف جابر بن عبدالله انصاری صحابی نامدار پیامبر اسلام (صل الله علیه وآله) پا به عرصه وجود نهاد و به مناسبت عید غدیر خم، نام مرتضی انصاری برای او انتخاب گردید پدرش شیخ محمد امین از مبلغین و مروجین شریعت مقدسه اسلام و مادرش دختری از علمای محل و بانویی پرهیز کار و با تقوی در عصر خود، هر دو از اخیار و نیکان و صالحان عصر بوده اند.

تحصیلات : وی از همان دوران کودکی به فرا گرفتن قرآن و معارف اسلامی پرداخت و به زودی آثار نبوغ و ذکاوت در او مشاهده گردید پس از خواندن قرآن و ادبیات عرب به خواندن فقه و اصول پرداخت و در این دو رشته، آن چنان استعداد و شایستگی نشان داد که حیرت همگان را برانگیخت و تا 20 سالگی نزد پدر خود تحصیل کرده، و آنگاه همراه پدر به عتبات رفت و از علمای وقت و اساتید بزرگ استفاده کرد آنگاه در اثر يك سلسله حوادث ناگوار، به وطن بازگشت بعد از دو سال، بار دیگر به عراق رفت و دو سال تحصیل کرد و به ایران مراجعت نمود، تصمیم گرفت از محضر علمای بلاد ایران استفاده کند عازم مشهد شد و در کاشان با حاج ملا احمد نراقی، صاحب کتاب معروف معراج السعاده ملاقات کرد و آنگاه به مشهد رفت و پنج ماه توقف، نمود شیخ انصاری سفری به اصفهان و بروجرد رفته و در همه سفرها، هدفش ملاقات اساتید و استفاده از محضر آنان بوده است، او در اوان جوانی به درجه عالی اجتهاد نائل آمد.

اساتید : شیخ بزرگوار ما از محضر اساتید متعددی بهره جسته است که هر کدام نقش ویژه ای در روحیه او داشته اند که به بازگویی نام چند تن از آنان می پردازیم.

- 1 - عموی بزرگوارش، شیخ حسین انصاری.
- 2 - سید محمد مجاهد.
- 3 - شریف العلما مازندرانی.
- 4 - ملا احمد نراقی.
- 5 - شیخ موسی کاشف الغطا.
- 6 - شیخ علی کاشف الغطا.
- 7 - شیخ محمد حسن صاحب جواهر.
- 8 - سید صدر الدین موسوی عاملی.
- 9 - شیخ محمد سعید قرجه داغی.

شاگردان : در مکتب پر بار و حوزه پر برکت تدریسی شیخ بزرگوار، شاگردان متعددی تربیت یافتند که هر کدام از استوانه های فقهی، و مجتهدین مسلم بوده، و شاگرد مستقیم شیخ بزرگوار در زمان حیات خویش بیش از هزار تن بوده است که از میان آنان شخصیت های نامی بر جسته ای بر خاسته اند که به ذکر اسامی چند تن از آنان بسنده می نمائیم.

- 1 - میرزا محمد حسن شیرازی.
- 2 - شیخ جعفر شوشتری.
- 3 - حاج میرزا حبیب الله رشتی.
- 4 - سید حسین کوه کمری تبریزی.
- 5 - شیخ محمد حسن مامقانی.
- 6 - شیخ محمد کاظم خراسانی.
- 7 - حاج میرزا محمد حسن آشتیانی.
- 8 - میرزا ابوالقاسم کلانتر.
- 9 - حاج شیخ هادی تهرانی.

- 10 - ملا حسین قلی همدانی.  
 11 - حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی.  
 12 - شریانی.

تألیفات : آثار ارزنده و تألیفات گران سنگ و ارزشمندی از شیخ مرتضی انصاری (ره) به یادگار مانده است که هر کدام نشانی از نبوغ، اجتهاد، دانش وسیع و تحقیق دقیق آن عالم ربانی می باشد ما در این بخش به صورت اجمال به بازگویی برخی از آنها می پردازیم.

- 1 - المکاسب (فقه).
- 2 - فرائد الاصول (اصول).
- 3 - رساله ای در تقیه.
- 4 - رساله ای در رضاع و نشر حرمت آن.
- 5 - رساله ای در قضا میت.
- 6 - رساله ای در مواسعه و مضایقه.
- 7 - رساله ای در عدالت.
- 8 - رساله ای در مصاهره.
- 9 - رساله ای در ملک اقرار.
- 10 - رساله ای در تبیین قاعده لاضرر و لاضرار.
- 11 - رساله ای در خمس.
- 12 - رساله ای در زکات.
- 13 - رساله ای در خلل صلوة.
- 14 - رساله ای در ارث.
- 15 - رساله ای در تیمم.
- 16 - رساله ای در قاعده تسامح.
- 17 - رساله ای در باب حجیت اخبار.
- 18 - رساله ای در قرعه.
- 19 - رساله ای در متعه.
- 20 - رساله ای در تقلید.
- 21 - رساله ای در قطع و جزم.
- 22 - رساله ای در ظن.
- 23 - رساله ای در اصالة البرائة.
- 24 - رساله ای در مناسك حج.
- 25 - حاشیه ای بر مبحث استصحاب.
- 26 - حاشیه ای بر نجات العباد (رساله عملیه).
- 27 - کتابی در علم رجال.
- 28 - تألیفی در اصول الفقه.
- 29 - حواشی بر عوائد نراقی.
- 30 - حاشیه ای بر بغية الطالب.
- 31 - اثبات التسامح فی ادلة السنن.
- 32 - التعادل و الترجیح.
- 33 - رساله ای در تقیه.
- 34 - رساله ای در التیمم الاستدلالی.
- 35 - رساله ای در خمس.

گفتار بزرگان :

شاگرد نامدارش، مرحوم حاج میرزا حبیب الله رشتی در باره او می گوید : او تالی تلو مقام عصمت در علوم و اصول بود. علامه نراقی صاحب مستند الشیعه درباره او فرموده است : استفاده ای که من از این جوان نمودم، بیش از استفاده ای بود که او از من برد، من در مسافرت های مختلف افزون بر پنجاه مجتهد مسلم دیدم که هیچ يك از ایشان مانند شیخ مرتضی نبود.

خصوصیات اخلاقی : شیخ انصاری (ره) نه تنها در فقاہت از دیگران سبقت گرفته بود، بلکه در عمل نیز نظیر و همتا نداشت در کتاب لؤلؤ الصدق چنین آمده است : اغلب عطایای آن مرحوم در خفا بوده، کثیری از فقرا معاش (حقوق) معین داشتند که همیشه

سالانه و ماهانه به آنان می رسید و هیچ نمی دانستند از کجاست در وقت سحر بر در خانه فقرا می رفت با لباس مبدل، و صورت را ستر می کرد و به مقدر حاجت آنها مرحمت می فرمود و چون شیخ از دنیا رفت، معلوم شد آن مردی که بر درب منازل این مردم در اوقات غیر متعارفه می آمده، آن مرحوم بوده است او انصافا روی اسلام را سفید کرد.

نوشته اند که یکی از یاران شیخ، نسبت به این کار انسانی وی (کمک به فقرا و مستمندان) از او ستایش و تمجید کرد شیخ در پاسخ گفت: این وسیله فخر و کرامتی نیست، زیرا وظیفه هر فرد معمولی است که امانت را به صاحبش برساند و این وجوه هم حقوق فقراست که به عنوان امانت نزد من می باشد و من به صاحبانش بر می گردانم. روزی شخصی خدمت شیخ رسید و گفت: ای شیخ! شب گذشته در خواب دیدم که شیطان به سرای شما آمد و طناب بر گردن شما انداخت و کشان کشان شما را تا سر کوچه برد و شما در تمام مدت تلاش می کردید که هر جور شده خود را از بند وی برهانید، و بالاخره سر کوچه طناب را از گردن خود به دور افکنده و به خانه برگشتید محبت بفرمائید و مرا راهنمایی کنید که تعبیر آن خواب آشفته چه بوده؟

شیخ با تبسمی آهسته فرمود: خدا لعنت کند شیطان را، خواب شما راست بوده است دیروز ما در خانه خرجی نداشتیم و وجوهات فراوانی نیز رسیده بود، با خود گفتم من یک دینار بر می دارم و مایحتاج زندگی را تهیه می کنم و بعدا آن را به جای خود بر می گردانم با این خیال دیناری بر داشته و به قصد خرید از خانه خارج شدم، ولی در بین راه با خود فکر می کردم که آیا این کار درست است که من کردم؟

تا بالاخره سر کوچه که رسیدم سخت متنبه شدم و با خود گفتم: شیخ این چه کاری است که می کنی، و پشیمان شدم و برگشتم و دینار را در سر جای خود قرار دادم.

یکی از بهترین موارد بروز و ظهور و تجلی تقوی، در مسائل مالی و اقتصادی است در تقوی و صیانت نفس او، در این باره کافی است که گفته شود با آن که وجوه شرعی فراوانی از چهل میلیون شیعه روی زمین آن روزگار در نجف به محضرش آورده می شد، در عین حال او همانند یک فرد فقیر گذران می کرد و حتی اموالی را که به عنوان تحفه و هدیه به محضرش آورده می شد، بین فقرا و مستمندان یا طلاب و مصالح عمومی مسلمین صرف می کرد از آن نظر که این تحفه ها به عنوان مرجعیت است، نه به عنوان شخص مرجع عنوان رئیس شریعت است، نه شخص رئیس. از این نوع نکته های عبرت انگیز در زندگی شیخ فراوان وجود دارد.

مقام علمی: در عظمت علمی و نبوغ فکری شیخ مرتضی انصاری (ره) همین قدر کافی است که اطلاع پیدا نمائیم تا کنون بیش از 200 نفر از علما و فضلا و دانشمندان و معاریف رجال اسلامی بر کتب و نوشته های او حاشیه و تعلیقه نگاشته اند، به حدی که هم اکنون مواد غذای فکری طلاب و فضلاء حوزه های علمیه و برخی از مجامع دانشگاهی و حقوقی را آثار او تشکیل می دهد.

مسافرت: او در سال 1232 هجری قمری در سن هیجده سالگی همراه پدرش به قصد زیارت عتبات عالیات به عراق مسافرت کرد و در کربلا اقامت گزید و این اقامت چهار سال به طول انجامید و بعد به موطن اصلی خود باز گشت پس از اقامت کوتاه در موطن، مجددا رهسپار نجف اشرف گردید و پس از مدتی توقف در نجف باز به دزفول مراجعت نمود.

در سال 1240 هجری قمری، شیخ تصمیم گرفت که به زیارت هشتمین اختر فروزان ولایت، حضرت امام رضا (علیه السلام) به مشهد برود، و در ضمن از حوزه علمیه آن شهر نیز بازدید به عمل آورد مادر شیخ که دیگر فراق فرزند برایش میسر نبود، به این مسافرت رضایت نمی داد اصرار مادر به جایی رسید که سر انجام شیخ به قرآن متوسل شده و مسأله را به استخاره وا گذاشت، و هنگامی که قرآن را باز نمود، این آیه شریفه در برابر دیدگانش پدیدار شد:

(لا تخافی و لا تحزنی انا رادوه الیک و جاعلوه من المرسلین)، این آیه شریفه مربوط به داستان حضرت موسی (علیه السلام) و نوید پیامبری و رسالت او بود مفهوم این آیه باعث تسکین دل مضطرب مادر گشت و به مسافرت فرزندش رضایت داد.

او در این مسافرت زیارتی و علمی، از حوزه های علمی بروجرد، اصفهان و کاشان نیز دیدن کرد و در برخی از آن حوزه ها مدتی اقامت گزید پس از چهار سال اقامت در کاشان به اتفاق برادرش شیخ منصور به مشهد رسید پس از زیارت و چهار ماه اقامت در آن شهر و تماس با علما و رجال فقه و فقهات آن دیار، به تهران رفت و مدتی نیز در تهران اقامت ورزید پس از شش سال مسافرت علمی و پر بار، به اتفاق برادر به دزفول بازگشت و مورد استقبال اهالی قرار گرفت و چند سالی در آنجا اقامت گزید اما اقامت در آن شهر روح تلاشگر و کنجکاو او را قانع نمی ساخت لذا تصمیم گرفت دو باره به نجف باز گردد زیرا در آن مرکز علمی، افراد فراوانی را می توانست از علم سرشار خود بهره مند سازد، از این رو در سال 1249 هجری قمری عازم نجف گردید و به کرسی تدریس آن حوزه علمی نشست تا مرجعیت شیعه به او منتهی گردید.

لقب: بعد از صاحب جواهر مرجعیت عامه به وی منتقل یافت و بزرگانی چند شیخ انصاری را خاتم الفقها و المجتهدین لقب دادند، او از کسانی است که در دقت و عمق نظر، بسیار کم نظیر است علم اصول و بالتبع فقه را وارد مرحله جدیدی کرد او در فقه و اصول ابتکاراتی دارد که بی سابقه است دو کتاب معروف او، رسائل و مکاسب کتاب درسی طلاب شده است.

وفات: سرانجام این رجل علم و فضیلت و شخصیت عالیقدر، در سن 67 سالگی به سال 1281 در 18 جمادی الثانی، با انبوهی از مفاخر و نوشته ها و ذخائر فکری و معنوی که عموما در خدمت به اسلام بود، به دار باقی شتافت و جهان اسلام را در سوگ خود عز ادار

ساخت هنگام مرگ دارائی این زعیم عالیقدر اسلامی، معادل هفده تومان رایج آن روز بود که همان مقدار هم مقروض بوده است.  
جسم مطهر و مقدسش در جوار قبر حضرت مولی الموحدین امیر المؤمنین علی (علیه السلام) دفن شد و وصی گرامی او، حاج سید علی شوشتری بنا به وصیت شیخ بر جنازه او نماز گزارد.